

فصل‌نامه علمی پژوهش‌های تاریخی (نوع مقاله پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و هشتم، دوره جدید، سال چهاردهم
شماره اول (پیاپی ۵۳)، بهار ۱۴۰۱، ص ۸۴ - ۷۱
تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۸/۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵
Doi: [10.22108/JHR.2022.131205.2268](https://doi.org/10.22108/JHR.2022.131205.2268)

قزلباشان ایناللو و قمه‌زنی در شهر چادگان

نوراله عبداللهی* - محمدعلی رنجبر**

چکیده

ایناللوها از جمله قبایل ترک‌نژادند که در حکومت ممالیک شام نقش ویژه‌ای داشتند. پس از پیوستن این گروه به صفویان، با نام قزلباشان شاملو، یکی از آنها حاکم منطقه چادگان شد. اولاد او تا دوره پهلوی، در مقام حاکم و نخبگان سیاسی نظامی، فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای داشتند که از جمله این فعالیت‌ها، برگزاری سوگواری در دهه نخست محرم بود. در این باره، مسئله مهمی که مقاله حاضر بررسی می‌کند این است: ایناللوها در راه‌اندازی و تداوم مراسم قمه‌زنی در چادگان چه نقشی داشتند؟ در پی یافتن پاسخ آن، قمه‌زنی تا مقطع کنونی و دوره محمدرضاشاه پهلوی مطالعه می‌شود؛ سپس برای بررسی سابقه قمه‌زنی، اطلاعات به دست آمده با اطلاعات ارائه شده در سفرنامه‌های سیاحان دوره صفوی مقایسه و تحلیل می‌شود. یافته‌های پژوهش بیان‌کننده آن است که قمه‌زنی چادگان در دوره معاصر با دوره صفوی شباهت بسیاری دارد و هرچه از زمان حاضر به دوره‌های پیشین برمی‌گردیم، نقش ایناللوها در محوریت برگزاری مراسم، برجسته‌تر است؛ بنابراین تداوم حکومت چهارصدساله ایناللوها در چادگان، موجب استمرار قمه‌زنی در چادگان شد؛ همچنین محوریت آنها در برگزاری مراسم از دوره صفوی، روزنه‌ای به پیشینه تاریک قمه‌زنی در سوابق و خاستگاه قزلباشان، پیش از ورود به ایران، می‌گشاید.

واژه‌های کلیدی: ایناللو، صفوی، پهلوی، قمه‌زنی، چادگان.

* دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران norollah59@yahoo.com
** دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسؤول) ranjbar@shirazu.ac.ir

مقدمه

پیش از دوره صفویه، به جز برخی دوره‌ها و مقاطع مانند زمان آل بویه در قرن چهارم قمری، عزاداری برای امام حسین (ع) مخفیانه یا زیرزمینی، در قالب روضه‌خوانی و نوحه‌خوانی، رواج داشت؛ اما با تشکیل دولت شیعی مذهب صفوی، افزون‌بر رسمیت یافتن عزاداری، برخی رسوم مانند قمه‌زنی نیز در ایران رواج یافت و تا دوره معاصر ادامه پیدا کرد. این رسم از دوره قاجار و به‌ویژه پس از مشروطیت، با برقراری ارتباط‌های رسانه‌ای با دنیا، به یکی از چالش‌های اجتماعی ایران تبدیل شد. در واقع، گروه‌های مختلفی مانند روحانیان، در دفاع از دین، رویکردهای متفاوتی را به‌ویژه در مخالفت با قمه‌زنی در پیش گرفتند (اکبرنژاد، ۱۳۸۵: ۱۹۶ تا ۲۳۰).

درباره اینکه ایران منشأ قمه‌زنی بوده یا از نقاط دیگر به ایران آمده، مطالبی مطرح شده است؛ ولی بر اسناد تاریخی مبتنی نیست و بیشتر در حد حدس و گمان است. بسیاری از افراد در تأیید یا رد قمه‌زنی مطالبی مطرح کرده‌اند که به‌طور معمول، بیشتر مطالب از منظر فقه است و به پیشینه آن توجهی نشده است؛ در صورتی که شناخت منشأ هر پدیده و رویداد اجتماعی، شرط لازم برای اصلاح آن محسوب می‌شود. بدون تردید ریشه‌یابی پیشینه قمه‌زنی، همچون دیگر پدیده‌های اجتماعی، در صورتی تحقق خواهد یافت که پژوهش برپایه بررسی جامعه هدف مشخصی باشد. از این رو در پی بررسی‌های پژوهشی درباره این موضوع، قمه‌زنی در چادگان، از شهرهای استان اصفهان، بررسی می‌شود و به نظر می‌رسد در حکم یک پژوهش، در روشن شدن بخشی از ابعاد این مسئله مهم، موثر واقع شود.

درباره سابقه قمه‌زنی در شهر چادگان و علت استمرار آن، پژوهشی انجام نشده است. تنها

پژوهش‌ها و مکتوبات موجود در زمینه چادگان، کتاب تحولات شهرستان چادگان در بستر تاریخ (عبداللهی، ۱۳۹۰) و دست‌نوشته‌ای از عبدالحسین سپینتا^(۱) و کاووس مفخم اینال‌لو با نام تاریخ طایفه اینال‌لو (مفخم اینال‌لو، دست‌نوشته)^(۲) است که در آرشیو اسناد خانوادگی خاندان اینال‌لو محفوظ است؛ اما در این دو اثر به عزاداری و قمه‌زنی اشاره‌ای نشده است؛ از این رو این مقاله، در حکم پژوهشی جدید، در صدد اثبات این فرضیه است: قمه‌زنی را قزلباشان اینال‌لو به چادگان وارد کردند و با حمایت آنها در چادگان تداوم یافت. در این باره، نویسندگان با نگاه اجمالی به بستر فکری اینال‌لوها پیش از ورود به ایران، قصد دارند ضمن فهم وضعیت حاکم بر رشد این مراسم و مقایسه برگزاری آن در دوره کنونی با دوره صفوی، داده‌های تازه‌ای درباره تاریخ عزاداری در ایران ارائه کنند.

در این نوشتار، پژوهش به روش تاریخی و با شیوه گردآوری کتابخانه‌ای و اسنادی است؛ همچنین باتوجه به کمبود منابع، بر مجموعه‌ای پویا از روش‌های میدانی همچون مشاهده و مشارکت و مصاحبه، ارائه تصاویری از مراسم کنونی شب عاشورا، توصیف مراسم در دوره محمدرضاشاه پهلوی (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۴۱ تا ۱۹۷۸ م) و سپس تطبیق با قمه‌زنی نقل‌شده در سفرنامه‌های سیاحان دوره صفوی متکی است.

فضای مذهبی حاکم بر اینال‌لوها پیش از ورود به ایران

اینال‌لوها یکی از شش طایفه اصلی در حکومت ممالیک (ابن‌ایاس، ۱۳۹۵ق، القسم رابع: ۱۴) و از طوایف مهم و پرجمعیت ساکن شام بودند که در دوره دوم حکومت ممالیک، با نام ممالیک برجی، نفوذ فراوانی داشتند و در حکومت ممالیک، صاحب مناصب

سیاسی و نظامی گسترده‌ای بودند (ابن‌ایاس، ۱۳۹۵ق، القسم الثالث - ۲۲۳، ۱۶۶، ۱۸۰، ۲۱۲، ۳۰۴، ۳۱۶، ۳۱۷). درباره‌ی فضای فکری حاکم بر شام و ترکان، به‌ویژه ایناللوها، چند مؤلفه بر روحيات فکری و دینی آنها، به‌ویژه عزاداری خاص مدنظر در این بحث، تأثیرگذار بوده است. این مؤلفه‌ها به شرح زیر است:

جبرگرایی: پیشینه‌ی ممالیک به شرق جهان اسلام برمی‌گردد و آن گونه که در منابع دوره‌ی مملوکی به برخی از علمای ایناللو به نام‌های شهاب‌الدین احمدبن‌اینال حنفی (سخاوی، ۱۹۹۲م: ۲۴۷/۱) و محمدبن‌احمدبن‌اینال حنفی (ابن‌ایاس، ۱۹۹۲م: ۳۶۹/۳؛ سخاوی، ۱۹۹۲م: ۲۹۵/۶) اشاره شده، مذهبشان حنفی بوده است. باسانی معتقد است: «حنفیان خراسان، ماوراءالنهر و فرغانه جبری مذهب‌اند؛ چنانکه ترکان نیز از این راه می‌روند» (بویل و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۷۲). هرچند چگونگی گرایش آنها به تشیع و صفویه خارج از موضوع این مقاله است، وجود پیشینه‌ی جبرگرایی در فرهنگ گذشته‌ی آنها بر روحيات فکری‌شان اثرگذار بوده است.

نفوذ آیین شمنی: درباره‌ی عمق اعتقادات ایناللوها باید اشاره کرد که همچون دیگر ترکان مهاجر از آسیای مرکزی، با اسلام آشنایی مختصری داشتند. روزبهان خنجی در پیوستن جمعیتی از شاملوها به لشکر شیخ‌حیدر، پیش از حمله به شروان، آنها را «خلقی بی‌طهارت از تاریک‌روزان شاملو» معرفی کرده است (روزبهان، ۱۳۸۲: ۲۷۴). بنابراین در اثر معتقدات پیشین خود، افرادی با نام قام و شمن در دوره‌ی مغول و دده در دوره‌ی صفوی بر حیات دینی آنها حاکم بودند (سومر، ۱۳۸۰: ۱۲).

تشیع و شهر حلب: شهر حلب در حکم پایگاه اصلی ایناللوها در شام معرفی شده است (سومر، ۱۳۷۱: ۲۱۰) و در سال‌های بسیاری در دوره‌ی ممالیک،

برای آن حاکمی از ایناللوها انتخاب می‌شد (ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۷۹۹/۴؛ ابن‌ایاس، ۱۳۹۵ق: ۲۹۸/۳؛ تنوی، ۱۳۸۲: ۸۳۵ و ۸۵۰). بنابراین سکونت ایناللوها در حلب از جهتی در این بحث حائز اهمیت است که آنجا یکی از پایگاه‌های شیعیان در شام بود و هر ساله در روز عاشورا، همه‌ی مردم حلب در محلی که به دروازه‌ی انطاکیه معروف بود جمع می‌شدند و از صبح تا شب برای حسین‌بن‌علی (ع) سوگواری می‌کردند. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، شاعر قرن هفتم قمری در شهر قونیه، در کتاب مثنوی معنوی در این باره آورده است:

روز عاشورا همه اهل حلب
باب انطاکیه اندر تا به شب
گرد آید مرد و زن جمعی عظیم
ماتم آن خاندان دارد مقیم
نالیه و نوحه کنند اندر بکا
شیعه عاشورا برای کربلا
بشمرند آن ظلم‌ها و امتحان
کز یزید و شمر دید آن خاندان
نعره‌هاشان می‌رود در ویل و وشت
پر همی گردد همه صحرا و دشت
(بلخی، ۱۳۸۴: دفتر ششم/۸۳۹).

آشنایی قزلباشان ایناللو با قمه‌زنی پیش از ورود به چادگان

آنچه از بررسی منابع روشن می‌شود، در دوره‌های پیش از صفوی در ایران قمه‌زنی وجود نداشته است. از جمله دلایل این ادعا نبود مستندات تاریخی درباره‌ی قمه‌زنی در منابع پیش از صفوی، در کتاب‌های شیعه و سنی، است؛ به‌ویژه نقد یکی از علمای اهل سنت بر آیین‌های عزاداری که عبدالجلیل قزوینی رازی، از علمای شیعه، در کتاب النقص در قرن ششم به آن انتقادات پاسخ داده است. این عالم سنی به برخی از

رسوم شیعیان در عزاداری مانند خاک بر سر ریختن، «مقتل خوانی به دروغ یا راست»، مخلوط شدن زن و مرد و اعمالی از این دست ریشه‌ای نگاشته است و در صورتی که این نوع عزاداری در ایران وجود داشت، در این انتقاد و پاسخ رازی عیان می‌شد (قزوینی رازی، ۱۳۳۱: ۶۶۶). نخستین شواهد مکتوب از قمه‌زنی در ایران به دوره صفویه و سفرنامه‌های اروپاییان برمی‌گردد که در مباحث آتی بررسی خواهیم کرد.

سابقه قمه‌زنی در شام نیز که پایگاه ایناللوهای شاملو بود، چندان به پیش از صفویه بر نمی‌گردد؛ چون در قرن هفتم قمری، مولانا از زبان شاعری تازه‌وارد به شهر، به «ناله و نوحه» در برگزاری مراسم نگاه نقادانه‌ای داشته است و در صورت وجود قمه‌زنی، در شعر عزاداری شیعیان حلب به آن اشاره یا آن را نقد می‌کرد (بلخی، ۱۳۸۴: دفتر ششم/۸۳۹ و ۸۴۰).

نخستین گزارش قمه‌زنی به ابن طولون، مورخ شامی، مربوط است که چندماه پیش از اعلام رسمی حکومت صفوی، از قمه‌زنی در ابتدای سال ۹۰۷ق/۱۵۰۱م، گزارشی به این شرح ارائه کرده است: در روز عاشورا گروهی از اوباش عجم و قلندرها دور هم جمع شدند و به رسم رافضی‌ها صورت و پیشانی خود را زخم زدند و خون‌آلود کردند و کارهای دیگری از این قبیل انجام دادند (ابن طولون، ۱۴۱۸: ۱۹۸/۱).

نکته دارای اهمیت در گزارش ابن طولون در سال ۹۰۷ق/۱۵۰۱م، انتساب این «رسم روافض» به مفهوم رسم شیعیان است و گویای آن است که پیش از تشکیل رسمی دولت صفوی در ایران، قمه‌زنی از رسومات شیعیان در شام بوده است. این مطلب بر منابع دوره صفوی درباره قمه‌زنی تقدم دارد. در این باره، در وقایع ۸ محرم ۹۰۷ق/۱۵۰۱م و دو روز پیش از قمه‌زنی شیعیان در دمشق، یکی از ایناللوها به نام امیر یلبای اینالی، از پست دوات‌داری سلطان در

دمشق عزل شد (ابن طولون، ۱۴۱۸: ۱۹۸/۱). این امر از حضور ایناللوها در شام و در شهر دمشق در زمان واقعه نشان دارد.

به هر حال قمه‌زنی در دمشق پیش از تشکیل دولت صفوی و تقدم گفته ابن طولون بر منابع دوره صفوی، این فرضیه را تقویت می‌کند که قزلباشان ترک‌نژاد و در رأس آنها شاملوها، پیش از تشکیل حکومت صفوی با قمه‌زنی آشنایی داشتند؛ بنابراین پس از آنکه حکومت صفوی عزاداری برای امام سوم شیعیان را در ایران تقویت کرد، ترکان قزلباش در این راه پیشگام بودند. به ویژه آنکه بنا به گفته سومر، با روحیات و فرهنگ ترکان در قائل شدن احترام عمیق برای شخصیت‌های برجسته‌شان هم‌نوایی داشت؛ برای نمونه در مرگ گول‌تکین، قهرمان افسانه‌ای اورخون، با ریختن موها بر سر و صورت خود و ریختن اشک خونین، مدت‌ها عزاداری کردند یا در اصفهان در مرگ داوود، فرزند ملک‌شاه سلجوقی (۶۵ تا ۸۵ق/۱۰۷۲ تا ۱۰۹۲م)، ترکان این مراسم را اجرا می‌کردند (سومر، ۱۳۷۱: ۱۲).

همچنین با نگاه اجمالی به مناطق ایران، آنچه مشخص می‌شود این است که در مناطق ترک‌نشین، مراسم قمه‌زنی گسترش بیشتری داشته است. مؤلف کتاب شرح زندگانی من در دوره قاجار نیز بر این باور است که ترک‌ها این عزاداری را پذیرفته‌اند و ذکر شاه‌حسین، واحسین، حیدر، صفر که پیش از مراسم تیغ‌زنی گفته می‌شود، ذکر ترکی است و شاهدی است بر ترکی بودن این مراسم (مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۷۶/۱).

فرایند استقرار و استمرار حکومت محلی ایناللوها در چادگان

آن گونه که ذکر شد، ایناللوها در حکومت ممالیک شام دارای نفوذ فراوانی بودند و یکی از سلاطین مهم

سرخ‌رنگ، ابداعی شیخ‌حیدر، قزلباش نامیده شدند (یوسف‌جمالی، ۱۳۷۷: ۱۳۷۲ تا ۷۷).

افزون بر نظامی‌گری، حکومت مناطق مختلفی به قزلباشان واگذار شد؛ همان‌گونه که شاه اسماعیل (۹۰۷ تا ۹۳۰ ق/ ۱۵۰۱ تا ۱۵۲۴ م) دو سال پس از تأسیس دولت صفوی، در سال ۹۰۹ ق/ ۱۵۰۳ م حکومت ایالت اصفهان را به دورمیش‌خان شاملو داد (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۱۷۷؛ رهبرین، ۱۳۴۹: ۱۴۶). ایالت اصفهان در مرکز ایران به بلوک و کوره‌های مختلفی تقسیم می‌شد و براساس اسناد دوره صفوی «چادگان از معظم قرای بلوک فریدن» (الهیاری و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۱) و «من اعمال لرستان عن کوره اصفهان» (سند شماره ۴) دسته‌بندی می‌شد. بنابراین به نظر می‌رسد دورمیش‌خان شاملو حکومت چادگان را به یکی از قزلباشان شاملو ایناللو داده باشد یا در سال‌های آینده این اتفاق صورت گرفته باشد؛ چون براساس اسناد امامزاده عبدالله‌بن‌زید رزوه، در سال ۱۰۰۱ ق، یعنی اوایل حکومت شاه عباس اول صفوی (۹۹۶ تا ۱۰۳۸ ق/ ۱۵۸۸ تا ۱۶۲۹ م)، منطقه در تیول حسین‌سلطان ایناللو بوده است (سند شماره ۱). در این باره براساس اطلاعات و اسناد خانوادگی ایناللوها، حاجی فتحعلی‌بیک ایناللوی شاملو نخستین قزلباشی بود که در دوره صفوی حکومت چادگان به او واگذار شد و پس از او فرزندان نسل به نسل حاکم منطقه شدند (مفخم ایناللو، ۱۳۶۵: ۳۲ و ۳۳).

به این ترتیب، ایناللوها از دوره صفویه به این منطقه وارد شدند و در دوره‌های مختلف، مناصب سیاسی و نظامی و مالی به آنها واگذار می‌شد. آن‌گونه که مصطفی‌قلی‌خان از قول جدش رضاقلی‌خان نقل کرده است، املاکشان در عراق، فراهان، کمره، کراز، شیروان و فریدن بود که بین خودشان تقسیم کردند و اولاد قاضی‌قلی‌بیک در فراهان و

ممالیک، به نام اینال (۸۵۷ تا ۸۶۷ ق/ ۱۴۶۰ تا ۱۴۶۷ م)، از این طایفه بود؛ ولی با فوت اینال و قدرت‌یابی دیگر سلاطین مملوک، ایناللوها به تدریج از ممالیک جدا شدند. در این باره، مقارن با آغاز جنگ‌های مسلحانه شیخ‌حیدر صفوی در ایران (یوسف‌جمالی، ۱۳۷۷: ۷۰)، ابن‌ایاس گزارشی از تبعید افراد و گروه‌هایی از ایناللوها دارد (ابن‌ایاس، ۱۳۹۵ ق: ۱۵۹/۳ و ۱۶۰) که از بروز قدرت صفویان در ایران و افول قدرت ایناللوها در شام نشان دارد.

همچنین در سال ۸۹۷ ق/ ۱۴۹۱ م سلطان، اقطاعات گروهی از ممالیک ایناللو را که مهاجرت کرده بودند، بین افراد نزدیک به خود تقسیم کرد (همان: ۲۹۳). این رویه تا آنجا پیش رفت که برخلاف گذشته که از ایناللوها چندین نفر در حکومت ممالیک بودند، در گزارش سالیانه دولتمران که ابن‌ایاس در سال ۹۰۴ ق/ ۱۴۹۸ م ارائه کرد، دیگر نامی از ایناللوها در میان نبود (همان: ۳۹۶).

به هر صورت در سال ۹۰۵ ق/ ۱۴۹۹ م، مقارن با روی کار آمدن صفویان، «قشون قشون صوفیان و غازیان از اویماقات روملو و شاملو و ذوالقدر از بطون روم و شام و متون مصر و دیاربکر شروع درآمدن کردند» (شیرازی، ۱۳۶۹: ۳۸). سومر نیز معتقد است ایناللوها به همراه دیگر تیره‌ها، مانند بیگدلی و خدا بنده‌لو و غیره، شاملوهایی بودند که به شیوخ صفوی پیوستند (سومر، ۱۳۷۱: ۲۰۹ و ۲۱۰). مؤلف تاریخ عالم‌آرای امینی در ذکر وقایع حمله به شیروان، از پیوستن جمعیتی از شاملوها به سپاه شیخ‌حیدر خبر داده است (روزبهان، ۱۳۸۲: ۲۷۴). همان‌گونه که از نامشان پیداست، آمدنشان از شام یا اهل شام بودن موجب آن شد که به شاملو معروف شوند (هینتس، ۱۳۷۷: ۹۵). آنها با دیگر سپاهیان صفوی و پس از به سر نهادن کلاه دوازده‌ترک

به چادگان آمدند تا اواخر دوره پهلوی، قدرت بلامنازع سیاسی و اقتصادی منطقه چادگان بودند (همان: ۲۸۵ تا ۲۸۷).

اینالوها و قمه‌زنی در چادگان

بی‌تردید، سخن‌گفتن از قمه‌زنی در چادگان، بدون توجه به نقش حاکمان اینالویی قزلباش که از دوره صفوی تا پهلوی در آنجا مستقر بودند، ناممکن است. بنابراین در راستای بررسی این فرض که قمه‌زنی چادگان میراثی از مدل سوگواری قزلباشی صفوی است که اینالوها به منطقه آوردند، پس از ارائه شمه‌ای از وضعیت موجود آن، رگه‌های برجسته از نقش خوانین اینالوو در دوره‌های پیشین و شباهت‌های موجود واکاوی می‌شود:

الف. برگزاری مراسم قمه‌زنی در دوره کنونی

قمه‌زنی از جمله رسوم عزاداری دهه محرم چادگان است که از دیرباز در روز عاشورا برگزار می‌شد. شب عاشورا همه افراد کفن‌های سفیدرنگی به صورت یک‌دست می‌پوشند و در دو صف طولانی با علم و پرچم و نوای غمگین موسیقی ساز محلی به نام کتل و همراهی تعدادی طبل‌زن، حرکت می‌کنند. به محض ورود دسته قمه‌زنی به میدان بزرگی در مجاورت منزل میزبان و خانه تاریخی الله‌قلی‌خان اینالوو، آهنگ نوحه تغییر می‌کند و مراسم مشق شمشیر برگزار می‌شود. از نکات مهم این مراسم، نوع دایره‌زدن و گرفتن پارچه سفید بسته‌شده به کمر فرد کناردستی است. در این حالت، صفوف به شکل زنجیر به هم متصل می‌شوند و میدان‌دار در وسط میدان قرار می‌گیرد؛ پس از ذکر کلماتی در رثای امام حسین (ع)، جمعیت حاضر در حالی که هریک شمشیری در بالای سرش نگه داشته است، با صدای بلند و حماسی کلماتی را در پاسخ میدان‌دار اعلام می‌کند که در جدول زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

سوندوک‌بیک در فریدن ساکن شدند.^(۳) با سقوط سلسله صفویه، اینالوها تنها قدرت سیاسی مؤثر منطقه چادگان بودند که حکومت‌های بعدی برای اداره امور این منطقه از آنها حمایت کردند. نادرشاه (۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰ ق/۱۷۳۵ تا ۱۷۴۷ م) و جانشینانش، محمدحسن خان قاجار (متوفی ۱۱۷۲ ق/۱۷۵۹ م) و کریم‌خان زند (۱۱۶۳ تا ۱۱۹۳ ق/۱۷۵۰ تا ۱۷۷۹ م) و دیگر زندیان، برای بیگ‌های اینالویی چادگان، به‌ویژه کلبعلی بیگ و محمدعلی بیگ اینالوو، حکم‌هایی صادر کردند و آنها را در حکومت منطقه تثبیت کردند (مفخم اینالوو، دست‌نوشته: ۳۱ تا ۳۳ و ۵۵ تا ۸۸).

با آغاز حکومت قاجار، فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ ق/۱۷۹۷ تا ۱۸۳۴ م) اینالوها را که قدرت برتر منطقه بودند، تقویت کرد و جایگاه آنها را از رتبه بیگی به خانی تقویت کرد (سند شماره ۵)؛ سپس آنها را داخل فوج تازه‌تأسیس فریدن قرار داد. به‌تدریج امام‌قلی‌خان اینالوو و پسرش مصطفی‌قلی‌خان، با بروز رشادت و کفایت در مأموریت‌های محوله، موفق شدند به درجه‌های عالی نظامی برسند. فرزندان مصطفی‌قلی‌خان به نام‌های عباسقلی‌خان، جعفرقلی‌خان، احمدقلی‌خان و حسینقلی‌خان نیز تا پایان دوره قاجار و روی کار آمدن رضاشاه (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ش/۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ م) که در سیستم نظامی تغییراتی داد، فوج را در اختیار خود نگه داشتند (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۲۰۲ تا ۲۲۲).

در دوره پهلوی، فوج فریدن و القاب و درجات نظامی فرماندهان اینالویی فریدن از بین رفت؛ ولی در بُعد اقتصادی، در جایگاه بزرگ‌ترین زمین‌داران منطقه، برخی مالک چندین روستا بودند. آنها افزون‌بر قدرت اقتصادی، براساس قانون انتخاب کدخدا توسط مالکان، کدخداهای روستاها را نیز انتخاب می‌کردند. بنابراین قزلباشان اینالوو که در دوره صفوی

ردیف	میدان‌دار	قمه‌زنان	ردیف	میدان‌دار	قمه‌زنان
۱	حسین	شاه‌حسین	۷	صفدر	شاه‌حسین
۲	شاه‌حسین	حسین	۸	مظلوم	شاه‌حسین
۳	غریب	شاه‌حسین	۹	تنها	شاه‌حسین
۴	شهید	شاه‌حسین	۱۰	عطشان	شاه‌حسین
۵	حیدر	شاه‌حسین	۱۱	شاه‌حسین	شاه‌حسین
۶	بی‌کس	شاه‌حسین	۱۲	حسین	شاه‌حسین

شکل شماره ۱: جدول شماره ۱.

می‌کردند. این کاروان‌سرا به عباسقلی خان ایناللو متعلق بود و از دیرباز در روز عاشورا در اختیار قمه‌زنان بود. استاد عباس دلاک، جای قمه را در سر می‌تراشید و مراسم رقص شمشیر اجرا می‌شد. در حین برگزاری، به محض فرود آمدن شمشیر سر دسته، بقیه افراد نیز با صدای بلند، حسین و شاه حسین گویان، قمه را بر جای تراشیده سر می‌کوفتند و این کار چندین بار تکرار می‌شد. دلاک، کودکان و نوجوانان را نیز با وسیله‌ای به نام یرگن، قمه‌زنی می‌کرد. از پیش، افرادی برای بستن زخم سر تعیین شده بودند و انتظام‌دهندگان مراسم، افرادی را که با افراط در قمه‌زنی دچار خونریزی شدید می‌شدند به بهداری، واقع در نزدیکی محل قمه‌زنی، منتقل می‌کردند. برای قمه‌زنان و جمعیت انبوهی که از روی بام خانه‌ها نظاره‌گر مراسم بودند، نوای حزن‌انگیز ساز و کتل و خون سرازیر شده در کاروان‌سرا آغازی بر دیگر رسوم روز عاشورا بود که تا بعد از ظهر به ترتیب برگزار می‌شد. هیئت با نوحه‌خوانی و تشکیل صفوف، به خانه عباسقلی خان ایناللو که در مجاورت کاروانسرا بود، وارد می‌شد و با شربت و شیرینی از آنها پذیرایی می‌شد (تصویر شماره ۴)؛ پس از آن، سر مزار بزرگان حضور می‌یافتند و قمه‌زنی و کوفتن بر

عزاداران در دو صف، وارد میدان می‌شوند و دو نیم‌دایره تشکیل می‌دهند و شروع به چرخش به دور هم می‌کنند. یکی از صفوف در داخل دایره می‌چرخد و دیگری در جهت مخالف، صف داخلی را پوشش می‌دهد و یکی به شکل عقربه ساعت می‌چرخد و دیگری عکس آن حرکت می‌کند (تصاویر شماره ۱ و ۲ و مشاهده‌های شخصی).

ب. قمه‌زنی در دوره محمدرضاشاه پهلوی

آن گونه که از پژوهش‌های میدانی برمی‌آید، در دوره محمدرضاشاه پهلوی به علت فاصله گرفتن از برخی سیاست‌های رضاشاه و کاهش فشارهای حکومتی، در چادگان قمه‌زنی دوباره علنی شد و ابتدا برادران علایی سیده‌ای و سپس بقیه افراد به این کار مبادرت کردند (مصاحبه شماره ۴). برای کسانی که از پیشینه برگزاری این مراسم اطلاعی نداشتند، شروع مراسم به دست افرادی از سیده یا سیده، خمینی‌شهر فعلی، تصور آمدن قمه‌زنی به چادگان توسط اهالی سیده را ایجاد کرده بود. تصویری که با دیگر مستندات، به‌ویژه سابقه میهمانی هیئت از سال ۱۳۱۸ش، مطابقت نداشت^(۴) (مصاحبه شماره ۱). به هر روی، شرح برگزاری مراسم این گونه بود که همه قمه‌زنان صبح روز عاشورا در کاروان‌سرای چادگان تجمع

جای زخم‌های پیشین تکرار می‌شد. تماشای تعزیه، صرف نذری و رفتن به حمام عمومی شهر، پایان‌بخش مراسم بود. تمام قمه‌زنان به حمام قدیمی شهر می‌رفتند و خون‌هایی را که از صبح بر سر و تنشانش خشکیده بود، می‌شستند. این حمام واقع در ضلع شرقی مسجد جامع را اینالوها ساخته بودند و در سند وقف‌نامه مسجد جامع در دوره ناصری، «حمام قدیمی چادگان» ثبت شده است و گواهی بر قدمت چندصدساله آن دارد (سند شماره ۲). علاوه بر این، اینالوها مزرعه‌ای را برای هزینه‌های این حمام وقف کرده بودند و بزرگ این خاندان هر ساله بر درآمد وقف نظارت می‌کرد (سند شماره ۳). استاد غلامرضا که زیر نظر خان اینالو، حمام را اداره می‌کرد و درآمد حاصل از وقف مزرعه را برای نگهداری و مرمت حمام هزینه می‌کرد، از اعضای اصلی و انتظام‌بخش هیئت قمه‌زنی بود (مصاحبه شماره ۴).

شباهت قمه‌زنی دوره معاصر با دوره صفوی

نبود منابع مکتوب از سده‌های پیشین یکی از مشکلاتی است که در پژوهش‌های مذهبی و عزاداری‌ها پیش می‌آید. به نظر می‌رسد برگزاری مراسم عزاداری از بدیهیات زمانه و فریضه‌ای دینی بوده که هر سال تکرار می‌شده و کسی ضرورتی برای ثبت آن نداشته است. بنابراین در پی یافتن نقاط مشترک و بررسی مقایسه‌ای، به سفرنامه‌های خارجیانی متوسل می‌شویم که از ایران دوره صفوی دیدن کرده‌اند و برخی از آنها برگزاری این مراسم را شرح داده‌اند.

در این باره حقانی به نقل از آنتونیو دوگوه (Antonio de Gouvea)، کشیش اسپانیایی که در سال ۱۶۰۲/۱۰۱۱م به ایران آمده است، وصفی از این گونه عزاداری در دوره صفوی دارد: «طی ده روز محرم، دسته‌های مردم (در شیراز)، در حالی که فریاد

می‌زدند شاه‌حسین... وای حسین، در کوی و برزن گردش می‌کنند و سوگ سرود می‌خوانند» (حقانی، ۱۳۸۱: ۵۰۵). دلاواله (Della Valle)، دیگر سیاح ایتالیایی، در گزارشی از محرم ۱۰۲۷/۱۶۱۸م اصفهان که دوره حکمرانی شاه عباس اول است، نقل مشابهی به این مضمون را انجام داده است: عزاداران «با نهایت حزن و اندوه و همه با هم آخرین بند مرثیه‌ای را که خوانده می‌شود، تکرار می‌کنند و می‌گویند آه حسین... شاه‌حسین...» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۲۵). در بررسی مقایسه‌ای مشخص است قمه‌زنی که امروز در حال انجام است، روشی از عزاداری صفویان و هواداران آنها، همچون قزلباشان، است و در سده‌های بعد با همان سبک و سیاق حفظ شده است (جدول شماره ۱).

کمپفر (Kaempfer) نیز در سفرنامه خود درباره سینه‌زنی در دوره صفوی نکاتی را ذکر کرده است که از جهتی به برگزاری مراسم قمه‌زنی شباهت دارد و از جهتی دیگر، قمه‌زنان در مواقع سینه‌زنی، نمونه آن را اجرا می‌کنند. او می‌نویسد: «غروب همه در دسته‌های نامنظم به استراحتگاه‌های کوچک سر چهارراه‌ها و یا اماکن عمومی می‌روند و با خود چیزهای قابل اشتعال را همراه می‌برند و آتشی می‌افروزند تا دور آن برای عزاداری حلقه بزنند. به زودی مشقی آغاز می‌گردد که در ضمن آن نام حسین را به صدای بلند ذکر می‌کنند نه با ناله و شکوه بلکه با صدایی خشمناک، به تبعیت از آهنگ آواز نوحه‌خوانان در دایره‌ای کنار هم جمع می‌شوند و در عین اینکه پا بر زمین می‌کوبند، سینه را با مشت می‌زنند» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۸۰ و ۱۸۱). ضربه‌های محکم با صدای خشن و بلند (خشمناک)، کوبیدن پا به زمین، حلقه‌زدن و ذکر نام حسین با صدای بلند نیز از ویژگی‌های قمه‌زنی چادگان است. همچنین اولناریوس (Olearius) روایتی از قمه‌زنی

۲. همان گونه که هیئت‌های عزاداری در دوره صفوی تشکیل می‌شدند و با نظم خاصی حرکت می‌کردند و با حلوا پذیرایی می‌شدند (رنجبر، ۱۳۹۰: ۱۰۰ و ۱۰۱)، در چادگان دوره پهلوی نیز قمه‌زن‌ها در عمارت خان ایناللو حاضر می‌شدند و افزون‌بر قمه‌زنی، با نذرهای خان نیز پذیرایی می‌شدند. خان ایناللو برای بهره‌مندی از ثواب عزاداری، با حلوا از میهمانان عزادار، پذیرایی می‌کرد (مصاحبه‌های شماره ۳ و ۴). به نظر می‌رسد این رسم از دوره صفوی تا دوره‌های کنونی ادامه پیدا کرده است.

۳. همان گونه که ذکر شد، خوانین ایناللو در فرماندهی فوج فریدن قرار داشتند و در منطقه، سمت‌هایی مانند نایب‌الحکومه و ضابط و غیره به آنها واگذار می‌شد و از این رهگذر، در رأس اقتصاد کشاورزی منطقه نیز حضور داشتند و بیشتر اراضی به آنها متعلق بود؛ بنابراین اداره همه این املاک را با بهره‌گرفتن از نیروهای محلی در قالب برزگر، مباشر، دشتبان، چوپان، انباردار، چاروادار، نگهبان و غیره مدیریت می‌کردند. در این باره با بررسی‌های میدانی مشخص شد عمده افراد هیئت قمه‌زنی از کسانی بودند که در سیستم کشاورزی خان مشغول فعالیت بودند و برخی نیز به صورت غیرمستقیم وابسته بودند (مصاحبه شماره ۳ و ۴). با اعمال محدودیت‌های حکومت پهلوی اول، حضور خوانین ایناللو در مدیریت مراسم قمه‌زنی کمتر شد؛ بنابراین این افراد وابسته به خان که در اداره امور منطقه، مجری فرامین خان بودند همچون پیش، در انتظام بخشی به مراسم و به تدریج به واسطه خلافت پیش‌آمده از تغییرات اجتماعی، در مدیریت هیئت قمه‌زنی، جایگزین خان شدند.

۴. سندی دال بر مشارکت مستقیم خوانین مذکور در مراسم مشق شمشیر و قمه‌زنی در دست نیست.^(۵) به نظر می‌رسد به سبک شاهان صفوی که در بلندای کاخ

در حیاط مزار شیخ صفی نقل کرده است که جمع شدن اهالی در مکانی خاص هنگام طلوع خورشید، پوشیده شدن حیاط از خون، کوبیدن بر زخم با دست و روان شدن در شهر با این حال (اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۱۱۸)، برخی از نکته‌های تطبیق‌دانی با قمه‌زنی دوره معاصر چادگان است.

نوحه سلیمی تونی (متوفی ۸۵۴ق/۱۴۵۰م) یکی از نوحه‌های قدیمی است که هرساله در روز عاشورا خوانده می‌شود و به نظر می‌رسد این نوحه با قدمت در حدود شش سده، از نوحه‌های قدیمی است که هرساله در روز عاشورا تکرار شده است. سه بیت از این نوحه به این شرح است:

چه کربلاست امروز؟ چه پربلاست امروز؟
سرحسین مظلوم از تن جداست امروز
روز عزاست امروز جان در بلاست امروز
غوغای روز محشر در کربلاست امروز
گریید ای محبان بر ماتم شهیدان
زاری کنید و افغان روز عزاست امروز
(سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۳۵۴).

ارزیابی و تحلیل

آنچه از مطالب ذکر شده و بررسی‌های میدانی و مشاهدات برمی‌آید، براساس دلایل زیر، قمه‌زنی در چادگان بر خاندان ایناللو متکی بوده است:

۱. مکانی که محل تجمع هیئت و مرحله نخست قمه‌زنی در روز عاشورا بود، ملکی از املاک خان بود. در این محل اتاقی به نام اسلحه‌خانه وجود داشت که هرساله شمشیرها در آنجا نگهداری می‌شد و در ماه محرم، به عزاداران تحویل داده می‌شد و پس از پایان دهه، جمع‌آوری می‌شد و برای سال آینده نگهداری می‌شد. این شمشیرها از اسلحه‌هایی بود که فوج فریدن استفاده می‌کرد و در اختیار عزاداران قمه‌زن قرار می‌گرفت (مصاحبه شماره ۳).

عالی‌قاپو نظاره‌گر آیین‌های ملی و مذهبی میدان نقش جهان بودند، خوانین ایناللو نیز «از جایگاهی که مشرف به میدان جامع شهر (درب تالار) ساخته بودند، نظاره‌گر مراسم می‌شدند» (مصاحبه شماره ۴). درب تالار یکی از محل‌های اصلی برگزاری مراسم مشق شمشیر بود که در جلوی قدیمی‌ترین عمارت اینالوها یا همان «تالار» قرار داشت و در بالاخانه درب، ایوانی مشرف به میدان برای تماشای مراسم توسط خان و خانواده‌اش بود. این عمارت را زینل‌بیگ ایناللو، از بزرگان این خانواده در دوره صفوی، بنا کرد و نسل به نسل، فرزندان و نوادگان او آن را حفظ کردند (مفخم ایناللو، دست‌نوشته: ۴۳؛ تصویر شماره ۳).

نتیجه

قمه‌زنی از جمله رسوم خشن عزاداری است که در بین موافقان و مخالفان دین اسلام واکنش‌های بسیاری را همراه داشته است؛ ولی چندان به پیشینه آن توجهی نشده است. در این مقاله، قمه‌زنی در شهر چادگان و پیشینه آن در حکم نمونه محلی زنده‌ای، با نقش محوری اینالوها در آن، واکاوی و ریشه‌یابی شد. در این باره به نظر می‌رسد سابقه و تجربه حکومت‌داری اینالوها در ممالیک شام، در حکم پشتوانه فکری و سیاسی و نظامی آنها در حکمرانی منطقه چادگان، موجب شد به گونه‌ای بساط حکمروایی محلی را بچینند که جابه‌جایی و سیاست قزلباش‌زدایی برخی شاهان صفوی و حکومت‌های پس از صفوی تا دوره پهلوی، در ادامه حکمروایی آنها خللی ایجاد نکند. این پیوستگی در حکمرانی محلی، بستری را فراهم کرد تا برخی از اعتقادات مذهبی آنها بدون انقطاع، به دوره معاصر انتقال یابد.

به علاوه اینالوها، پیش از صفوی با سوگواری و قمه‌زنی که شیعیان در شام و به‌ویژه حلب انجام

می‌دادند، آشنایی داشتند. در این باره، با وجود منابع و مستندات تاریخی درباره قمه‌زنی در شام پیش از ایران، ارائه این نظر امکان‌پذیر است که اینالوهای شاملو، پیش از آمدن به ایران، در برگزاری مراسم‌های گسترده حلب در روز عاشورا با قمه‌زنی آشنا بوده‌اند. پیشینه مذهبی آنها از آیین شمنی و جبرگرایی شرق جهان اسلام متأثر بود و پیش‌تر برای فوت قهرمانان خود، با ریختن اشک خونین، مدت‌ها عزاداری می‌کردند؛ پس در عالم تشیع نیز عزاداری به سبک خودشان برای حسین بن علی (ع)، شخصیت برجسته جهان تشیع، با فرهنگشان سنخیت داشت. بنابراین اینالوها با ورود به چادگان برخی از رسوم پیشین، مانند قمه‌زنی را با خود آوردند و در طی زمامداری‌شان در این منطقه حفظ کردند؛ چون از طرفی قمه‌زنی بر جای مانده در زمان حاضر با سوگواری دوره صفوی چنان شباهت دارد که در مراسم رقص شمشیر شب عاشورا، گویی قزلباشان صفوی با شمشیرهای گداخته و صدای بلند و خشن، «حسین، شاه‌حسین» گویان دور هم می‌چرخند و شمشیر را بر سر فرود می‌آورند. از طرفی دیگر، هرچه از زمان حاضر به دوران پیش برمی‌گردیم، نقش خوانین ایناللو در محوریت مراسم مشهودتر می‌شود.

پی‌نوشت

۱. عبدالحسین سپتا (۱۲۸۶ تا ۱۳۴۸ ش) از تحصیل‌کردگان تاریخ و فرهنگ، در تهران و اصفهان و هند بود. او افزون بر فعالیت‌های سینمایی که به پدر سینمای ناطق یا پایه‌گذار سینما در ایران مشهور شد، در عرصه تألیف کتاب‌های تاریخی نیز آثاری از خود به جای گذاشت. سپتا در دهه آخر عمر خود، بنا به خواست حسینی‌قلی‌خان مفخم ایناللو و با اسناد خانوادگی خاندان ایناللو که در اختیارش قرار گرفت، شروع به تألیف کتاب تاریخ ایل ایناللو کرد؛ ولی با فوت مفخم در سال ۱۳۳۸ ش/۱۹۵۹م،

این کتاب ناتمام ماند و در ۴۳ صفحه در اختیار بازماندگان مفخم قرار گرفت.

۲. کاووس مفخم ایناللو، از نوادگان خوانین ایناللو، چادگان است که کار ناتمام سپنتا را ادامه داد و با بازخوانی اسناد خانوادگی خاندان ایناللو، در سال ۱۳۶۵ آنها را در جزوه‌ای گردآوری کرد؛ ولی تاکنون به زیر چاپ نرفته است. این مجموعه، شامل کتاب سپنتا (ذکرشده در پی‌نوشت شماره ۲)، بازخوانی ۱۷۵ سند از مجموعه اسناد خاندان ایناللو از دوره صفوی تا پایان دوره قاجار و سفرنامه عباسقلی خان به کربلا است.

درباره تفاوت نگارش کلمه ایناللو در متن، دادن این توضیح لازم است که شکل «ایناللو» را کاووس مفخم ایناللو برای نام خود و کتابش به کار برده است؛ پس در این مقاله به رسم امانت‌داری، به این شکل نوشته شده است؛ اما براساس اسناد، شکل صحیح کلمه «ایناللو» است که در تمام متن متحدالشکل به این صورت به کار رفته است.

۳. حاج مصطفی‌قلی‌خان ایناللو در سال ۱۳۰۱ق / ۱۸۸۴م، فهرستی از اجداد خود را به این شرح ثبت کرده است که بر اقتدار سیاسی این خاندان از دوره صفویه در منطقه دلالت دارد: «چون هرکس لامحاله از آبا و اجداد حتی‌المقدور تحقیق و تفتیش لازم دارد، لذا کمترین از روی تحقیق و نوشتجات قدیم آنچه تعیین نمود از زمان سلاطین صفویه اجداد در صفحه عراق بوده‌اند و از طایفه ایناللو محسوب هستند و چندی را در خدمات دیوان اشتغال داشتند. ولی خان‌بیک ایناللو قاضی‌قلی ولد او رضاقلی‌بیک حاکم فریدن و ایضاً ولد او سوندوک‌بیک قورباساغول... و ولد او بدرخان‌بیک قورباساغول‌باشی کلبعلی‌بیک حاکم فریدن ولد او محمدعلی‌بیک و حاکم فریدن ولد او مرحوم رضاقلی‌خان حاکم بعد از فوت پدرش مرحوم امام‌قلی‌خان یاور ولد او کمترین حاجی مصطفی‌قلی سرهنگ... از قراری که مرحوم رضاقلی‌خان جد نوشته‌اند، املاک در عراق - فراهان کمره - کزاز - شیروان فریدن داشته‌اند... ابتدا اسامی اجداد ارزالی‌بیک ولدش شاه‌ماربیک ولدش شاه‌بنده‌بیک ولدانش

حاجی فضل‌علی‌بیک حاجی مهدی‌خان‌بیک حاجی فتح‌علی‌بیک در عراق متوقف بوده. حاجی فتح‌علی‌بیک در فریدن ولد او ولی‌خان‌بیک ولد او قاضی‌قلی‌بیک ولد او رضاقلی‌بیک ولد او سوندوک‌بیک ولد او بدرخان‌بیک ولد او کلبعلی‌بیک ولد او محمدعلی‌بیک ولد او رضاقلی‌خان ولد او مرحوم امام‌قلی‌خان یاور و ولدانش حاجی مصطفی‌قلی حاجی علی‌قلی» (مفخم ایناللو، دست‌نوشته: ۳۱ تا ۳۳).

۴. فیلمی از قمه‌زنی مربوط به ۹۲ تا ۹۵ سال قبل و پیش از ممنوعیت قمه‌زنی توسط رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۰۸ش/۱۹۲۹م، در نقطه‌ای نامعلوم و با شباهت‌های بسیار به مراسم قمه‌زنی در چادگان، در کارگاه نغمه‌های عاشورایی (۱۳۹۵ش) در گروه تاریخ دانشگاه اصفهان به نمایش درآمد. این فیلم ۶۷ ثانیه‌ای را دو کمپانی آلمانی ضبط کرده و در اختیار انقلاسیون شوروی قرار داده بودند. چند سال پیش یک پژوهشگر انگلیسی تاریخ به نام فیشر، در بررسی آرشیو صداوسیما روسیه آن را یافت و حین برگزاری کنفرانس «عکس و سینمای قاجار» در دانشگاه ادینبورگ انگلیس (۲۶ و ۲۷ اگوست ۲۰۱۱/۵ و ۶ شهریور ۱۳۹۰)، در اختیار علیرضا قاسم‌خان قرار داد. تهامی‌نژاد قطعه مذکور را با چند فیلم در موضوعات دیگر با نام مستند «کشور شیروخورشید»، به نام نسخه ف (فیشر) در جشنواره فجر به نمایش درآورد و با توضیحاتی درباره هرکدام و پاراگرافی درباره قمه‌زنی، در مجله انسان‌شناسی و فرهنگ معرفی کرد (تهامی‌نژاد، ۱۳۹۵).

به هر روی قرابت شواهد موجود در بخش قمه‌زنی فیلم مذکور با قمه‌زنی در چادگان و به‌ویژه شباهت‌های پوششی و محیطی، برپایی مراسم در محوطه چند خانه بزرگ و حضور افرادی دارای موقعیت اجتماعی و اقتصادی ویژه در برگزاری این رویداد یا به تعبیر روس‌ها در فیلم، پول‌دادن متمولان به قمه‌زنان و نقش برجسته این طبقه حاکم در قمه‌زنی به تصویر درآمده، نگاه پژوهشگران مقاله را به سمت خوانین ایناللو چادگان که در مقطع زمانی موضوع بحث دارای خصوصیات پیش‌گفته بودند،

المقدمه و الفهارس محمد مصطفی، القسم ثالث و رابع مکه: مکتبه دارالباز.

۷. ابن خلدون، عبدالرحمان، (۱۳۸۳)، *العبر (تاریخ ابن خلدون)*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۴، چ ۴، تهران: خوارزمی.

۸. ابن طولون، محمدبن علی، (۱۴۱۸)، *مفاکله الخلان فی حوادث الزمان*، به تحقیق خلیل عمران منصور، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۹. اولثاریوس، آدام، (۱۳۶۳)، *سفرنامه مسکو و ایران (بخش ایران)*، ترجمه از متن آلمانی و حواشی احمد بهپور، تهران: ابتکار.

۱۰. بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد، (۱۳۸۴)، *مثنوی معنوی*، چ ۵، تهران: روزنه.

۱۱. بویل، جان آندرو و دیگران، (۱۳۷۹)، *تاریخ ایران کمبریج*، ترجمه حسن انوشه، چ ۵، تهران: امیرکبیر.

۱۲. تهامی نژاد، محمد، (۱۳۹۵)، *فیلم‌های روسیه تزاری و اتحاد شوروی از ایران*، تهران: مجله انسان‌شناسی و فرهنگ.

۱۳. دلاواله، پیتر، (۱۳۷۰)، *سفرنامه پیتر و دلاواله (قسمت مربوط به ایران)*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، چ ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۴. رنجبر، محمدعلی، (۱۳۹۰)، *مراسم مذهبی در ایران عصر صفوی*، شیراز: کوشامهر.

۱۵. روزبهان، فضل‌الله، (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای امینی*، تصحیح محمداکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.

۱۶. سخاوی، شمس‌الدین، (۱۹۹۲م)، *الضوالامع لاهل القرون التاسع*، ج ۱ و ۶، بیروت: منشورات دارالمکتبه الحیاة.

۱۷. سلیمی تونی، حسن‌بن سلیمان، (۱۳۹۰)، *دیوان سلیمی تونی*، به کوشش سیدعباس رستاخیز، تهران:

هدایت کرد؛ ولی انتساب فیلم مذکور به چادگان، به پژوهش‌های بیشتر و ادله متقن نیاز دارد و در این مقال نمی‌گنجد و بررسی همه‌جانبه فیلم مذکور در پژوهشی دیگر، به نظر می‌رسد در تقویت موضوع بحث این مقاله مؤثر واقع شود.

۵. گفتنی است منظور از این مقاله، قمه‌زن‌بودن ایناللوها در چادگان کنونی نیست. چه‌بسا از این فامیل به تعداد انگشت‌شمار هم در هیئت قمه‌زنی فعلی وجود ندارد. درواقع مقاله حاضر به ورود این مراسم به چادگان و حمایت بیگ‌ها و سپس خوانین حکومتی ایناللو به شکل سیستمی از آن، رویکردی تاریخی دارد.

کتابنامه

الف. اسناد

۱. سند شماره ۱: حکم شاه عباس اول (۹۹۶ تا ۱۰۳۸ ق/ ۱۵۸۷ تا ۱۸۹۱ م) درباره گرفتن تیول حسین سلطان ایناللو و اعطای ملک جبرجان رزوه به جیران دده (۱۰۰۱ ق)، آرشیو شخصی.

۲. سند شماره ۲: وقف‌نامه مسجد جامع چادگان، (۱۳۰۳ ق)، آرشیو شخصی سیدرضا نوحی.

۳. سند شماره ۳: حکم دادگاه درباره مزرعه استخر وقف حمام نادی، اداره اوقاف شهرستان فریدن.

۴. سند شماره ۴: سند ملکی از خرید و فروش یک حبه از مزرعه شامجان چادگان در سال ۱۰۰۳ ق/ ۹۷۴ ش، قدیمی‌ترین سند موجود مربوط به چادگان، آرشیو شخصی طوسی شجاع ایناللو.

۵. سند شماره ۵: حکم فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ ق/ ۱۷۹۷ تا ۱۸۳۴ م) درباره ارتقاء حسین قلی بیگ ایناللو به رتبه خانی، (شعبان ۱۳۴۸ ق/ ۱۹۳۰ م) سند شماره ۴۸ از مجموعه مفخم ایناللو: ۱۰۷.

ب. کتاب‌ها

۶. ابن‌ایاس الحنفی، محمدبن‌احمد، (۱۳۹۵ ق/ ۱۹۷۵ م)، *بدائع‌الزهور فی وقائع‌الدهور*،

بررسی سندی از شهر چادگان در دوره شاه عباس اول، فصلنامه تحقیقات تاریخی و مطالعات آرشیوی گنجینه اسناد، س ۱۸، دفتر ۱، ش ۶۹.

۲۹. حقانی، موسی، (۱۳۸۱)، محرم از نگاه تاریخ و تصویر، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ش ۲۱ و ۲۲.

۳۰. اکبرنژاد، محمدتقی، (۱۳۸۵)، قمه‌زنی و اعمال نامتعارف در عزاداری، مجله فقه اهل بیت، س ۱۲، ش ۴۸.

د. دست‌نوشته‌ها

۳۱. سپنتا، عبدالحسین، (۱۳۳۸)، تاریخ طایفه ایناللو (از قدیمی‌ترین ازمه تاریخی تاکنون)، موجود در آرشیو خصوصی کاووس مفخم ایناللو و کتابخانه عمومی سیدمحمد صدر چادگان.

۳۲. مفخم ایناللو، کاووس، (۱۳۶۵)، تاریخ طایفه ایناللو، موجود در آرشیو خصوصی کاووس مفخم ایناللو و کتابخانه عمومی سیدمحمد صدر چادگان.

ه. مصاحبه‌ها

۳۳. مصاحبه شماره ۱: بهمن‌زیاری، ناصر، ۵۵ ساله، (۱۳۹۸/۷/۱۸)، میزبان هیئت قمه‌زنی در شب عاشورا، چادگان، آرشیو شخصی.

۳۴. مصاحبه شماره ۲: سلمانی، قربانعلی، ۸۶ ساله، (۱۴۰۰/۵/۳۰)، کشاورز و چادگان، آرشیو شخصی.

۳۵. مصاحبه شماره ۳: شجاع ایناللو، طوسی، ۸۲ ساله، (مهر ۱۳۹۶)، برجسته‌ترین بازمانده از خوانین ایناللو در چادگان، چادگان، آرشیو شخصی.

۳۶. مصاحبه شماره ۴: قاسمی، بهرامعلی، ۷۳ ساله، (۱۴۰۰/۵/۲۸)، کشاورز و ۲۲ سال کارگر کشاورزی حیدرخان شجاع ایناللو، چادگان، آرشیو شخصی.

کتابخانه اسناد مجلس شورای اسلامی.

۱۸. سومر، فاروق، (۱۳۸۰)، اوغوزها (ترکمن‌ها)، ترجمه آناردی عنصری، تهران: حاج طلائی.

۱۹. -----، (۱۳۷۱)، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، ترجمه احسان اشراقی و محمدتقی امامی، تهران: گستره.

۲۰. شیرازی، عبدی بیگ، (۱۳۶۹)، تکمله‌الخبار، (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ هجری قمری)، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر عبدالحسین نوائی، تهران: نی.

۲۱. عالم‌آرای صفوی، (۱۳۵۰)، به کوشش یدالله شکری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۲۲. عبداللهی، نوراله، (۱۳۹۰)، تحولات شهرستان چادگان در بستر تاریخ، اصفهان: زاینده‌رود.

۲۳. قزوینی رازی، عبدالجلیل، (۱۳۵۸)، التقص، به تصحیح سیدجلال‌الدین حسینی ارموی، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی محدث، تهران: انجمن آثار ملی، چاپخانه زر.

۲۴. کمپفر، انگلبرت، (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، چ ۳، تهران: خوارزمی.

۲۵. مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه از آقامحمدخان تا آخر ناصرالدین‌شاه، ج ۱، تهران: زوار.

۲۶. هینتس، والتر، (۱۳۷۷)، تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، چ ۴، تهران: خوارزمی.

۲۷. یوسف‌جمالی، محمدکریم، (۱۳۷۷)، تشکیل دولت صفوی و تعمیم مذهب تشیع دوازده‌امامی به عنوان تنها مذهب رسمی، چ ۲، اصفهان: امیرکبیر.

ج. مقاله‌ها

۲۸. الهیاری، فریدون و عبداللهی، نورالله، (۱۳۸۷)،

پیوست



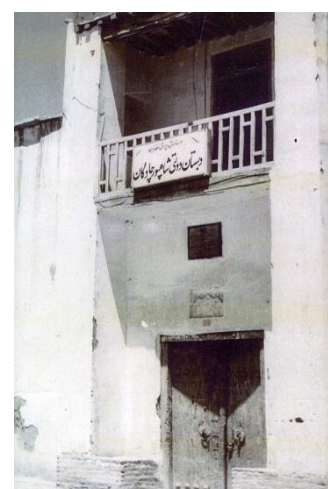
عکس شماره ۱: مراسم مشق شمشیر شب عاشورا ۱۳۹۷ ش.



عکس شماره ۲: مراسم مشق شمشیر شب عاشورا ۱۳۹۸ ش.



عکس شماره ۴: خانه تاریخی عباسقلی خان ایناللو.



عکس شماره ۳: درب تالار (عمارتی از دوره صفوی)